



بررسی چالش‌های اجتماعی حقوقی قصاص در قتل فرزند و تمایز میان والدین در فقه و قانون

(تحلیلی بر تبعیض ساختاری مسئله در بستر جزای اسلامی)

زهراکوهساری^۱

چکیده

ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، بر مبنای مبانی فقهی مشهور، مقرر می‌دارد که پدر یا جد پدری در صورت قتل فرزند خود، مستحق قصاص نیست و تنها به پرداخت دیه محکوم می‌گردد؛ در حالی که مادر در صورت ارتکاب همین جرم، مشمول حکم قصاص می‌شود. این تفاوت آشکار در برخورد کیفری با والدین در برابر عملی یکسان، پرسش‌ها و چالش‌های جدی در زمینه عدالت کیفری، برابری جنسیتی، و مشروعیت مبنای فقهی این حکم ایجاد کرده است. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش تحلیل تطبیقی-تفسیری، ضمن واکاوی دقیق ادله فقهی مورد استناد قانون‌گذار و بررسی انتقادی نظرات فقهای معاصر، به تحلیل حقوقی این ماده در پرتو اصول قانون اساسی، موازین حقوق بشر و الزامات عدالت قضایی می‌پردازد. همچنین با بررسی تطبیقی حقوق کیفری در برخی نظام‌های حقوقی دنیا، نشان داده می‌شود که استثنای قصاص پدر در قتل فرزند نه تنها در نظام‌های حقوقی مدرن جایگاهی ندارد، بلکه با روح عدالت کیفری اسلامی نیز در تعارض است. در نهایت، پژوهش با ارائه پیشنهادهایی برای اصلاح ماده ۳۰۱، بر ضرورت بازنگری در قوانین جزایی مبتنی بر تبعیض جنسیتی و ضرورت هماهنگی بیشتر قانون با اصول عقلانی، اخلاقی و فقهی روزآمد تأکید دارد.

واژگان کلیدی: ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی، قصاص، قتل فرزند، تبعیض جنسیتی، فقه امامیه، عدالت کیفری، برابری والدین در مجازات

۱. دکترای مطالعات زنان، استادیار و عضو هیئت علمی گروه مطالعات زنان، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی دانشگاه الزهراء (س) ایمیل: z.koohsari@alzahra.ac.ir

مقدمه

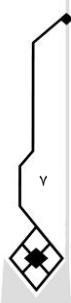
مسئله قصاص به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای عدالت کیفری در فقه اسلامی و قوانین کیفری جمهوری اسلامی ایران، همواره مورد توجه فقها و حقوقدانان بوده است. در این میان، ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که برگرفته از فقه امامیه است، یکی از بحث‌برانگیزترین مواد قانونی به شمار می‌رود.

طبق این ماده قصاص در صورتی اجرا می‌شود که قاتل، پدر یا اجداد پدری مقتول نباشد. در نتیجه، پدر در صورت قتل فرزند مشمول حکم قصاص قرار نمی‌گیرد، اما اگر مادر مرتکب چنین جنایتی شود، قصاص خواهد شد، مگر آنکه اولیای دم او را ببخشند یا مصالحه کنند. این حکم حقوقی مبتنی بر مبنایی فقهی است که در منابع معتبر شیعه، از جمله تهذیب الأحکام شیخ طوسی، السرائر ابن ادریس، المبسوط، تحریر الوسیله امام خمینی و جواهر الکلام صاحب جواهر، مورد تأیید قرار گرفته است. استناد فقها عموماً به روایاتی چون صحیح ابی بصیر از امام صادق علیه السلام است که فرمودند: لا یقتل الوالد بولده إذا قتله. (تهذیب الأحکام، شیخ طوسی، ج ۱۰، ص ۲۱۸)

همچنین شیخ طوسی در المبسوط به صراحت آورده است: الأب إذا قتل ولده عمداً لا یقتل به، بل علیه الدّیة؛ لآئه کان سبب وجوده (المبسوط، ج ۷، ص ۲۹۹).
فقهایی چون علامه حلی، شهید اول و صاحب جواهر نیز این حکم را پذیرفته‌اند، هرچند برخی از فقهای متأخر مانند آیت الله صانعی و آیت الله منتظری با استناد به اصول عدالت و اجتهاد تطبیقی، خواستار بازنگری در این حکم شده‌اند.

از منظر حقوقی، این قاعده با انتقادهای متعددی مواجه است؛ چرا که با اصول بنیادین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به ویژه اصل ۲۰ (برابری همه در برابر قانون) و اصل ۲۱ (پشتیبانی از حقوق زنان) در تعارض است. همچنین، این حکم با روح اصل عدالت کیفری که لازمه آن تساوی مجازات‌ها برای جرم مشابه است، در تضاد قرار دارد.

علاوه بر آن، چنین تمایزی میان پدر و مادر در برخورد با جنایت قتل فرزند، پرسش‌های جدی درباره عدالت جنسیتی در نظام حقوقی ایران ایجاد می‌کند. چرا باید مادر به جرم قتل



فرزند قصاص شود اما پدر نه؟ آیا چنین استثنایی با آموزه های اسلامی در باب حرمت قتل نفس، که در آیات متعددی از قرآن کریم مورد تأکید قرار گرفته، همخوانی دارد؟ خداوند در قرآن می فرماید: «وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ» (الإسراء: ۳۳)

از سوی دیگر، در سطح بین المللی نیز نهادهای حقوق بشری، نابرابری در مجازات ها بر اساس جنسیت یا رابطه خونی را مصداق نقض حق حیات و کرامت انسانی می دانند. لذا تطبیق این ماده با اسناد بین المللی مانند میثاق حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR) و کنوانسیون حقوق کودک نیز محل بحث است.

افزون بر آن، این قاعده فقهی- حقوقی پیامدهای روانی، اجتماعی و حقوقی گسترده ای برای خانواده و جامعه دارد. احساس بی عدالتی در کودکانی که پدر را مأمن خود می دانند و در برابر خشونت او فاقد پناه قانونی اند، پیامدی مخرب در امنیت روانی نسل آینده دارد.

این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی، و با اتکا به منابع دست اول فقهی و حقوقی، بر آن است تا مبانی این قاعده فقهی را بازخوانی کرده، پیامدهای حقوقی و اجتماعی آن را بررسی کند و در نهایت، راهکارهایی برای اصلاح یا بازنگری در این ماده در چارچوب اجتهاد پویا و فقه مصلحت محور ارائه دهد.

بیان مسئله

در نظام حقوق کیفری اسلام و به تبع آن، حقوق موضوعه جمهوری اسلامی ایران، نهاد قصاص به عنوان یکی از ارکان اصلی عدالت کیفری شناخته می شود. برپایه این نهاد، فردی که به عمد جان دیگری را می گیرد، در صورت وجود شرایط شرعی و قانونی، خود نیز مشمول مجازات قصاص خواهد شد. با این حال، ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ استثنایی اساسی را در این قاعده وارد کرده است: «قصاص در صورتی اجرا می شود که قاتل، پدر یا اجداد پدری مقتول نباشند.»

بدین ترتیب، پدر در صورت ارتکاب قتل عمدی فرزند، از مجازات قصاص معاف است، حال آنکه چنین معافیتی برای مادر وجود ندارد. این تمایز در مجازات میان پدر و مادر، اگرچه

مستند به فتوای مشهور فقه امامیه است، اما در جامعه معاصر ایران به یکی از مسائل بسیار مناقشه برانگیز، حساس و پرچالش تبدیل شده است که ابعاد گوناگون حقوقی، فقهی، اخلاقی، اجتماعی، روان‌شناختی و حتی فلسفه حقوق را درگیر خود کرده است

بررسی فقهی این حکم نشان می‌دهد که مستند آن عمدتاً روایاتی معدود، نظیر صحیحہ ابی بصیر از امام صادق علیه السلام، است که در آن آمده است «لا یقتل الوالدُ بولده إذا قتله» (تہذیب الأحکام، ج ۱۰، ص ۲۱۸)

فقه‌های بزرگی مانند شیخ طوسی، علامہ حلی، شہید اول و دوم، محقق کرکی و صاحب جواهر بر اساس این روایات و تحلیل‌هایی همچون «ولایت پدر»، «مالکیت پدر بر فرزند»، یا «وجود شبہہ تأدیب» به این نتیجہ رسیدہ اند کہ قتل فرزند توسط پدر مشمول قصاص نیست. در مقابل، برای مادر هیچ دلیل فقهی‌ای در جہت معافیت از قصاص وجود ندارد، بنابراین اگر مادری فرزند خود را بہ عمد بہ قتل برساند، مشمول قصاص خواهد شد.

اما ہمین برداشت فقهی، هنگامی کہ در قالب مادہ‌ای از قانون وارد نظام قضایی یک کشور مدرن با ساختار حقوقی منبعث از قانون اساسی، حقوق بشر، و عدالت کیفری نوین می‌شود، با پرسش‌ها و چالش‌هایی بسیار بنیادین روبہ رو می‌گردد.

نخست، از حیث عدالت کیفری، این پرسش مطرح است کہ چگونه می‌توان تفاوتی چنین بنیادین میان پدر و مادر در مجازات جرم واحدی چون «قتل عمد» قائل شد؟ چگونه می‌توان در جرمی بہ این شدت، کہ موضوع آن سلب حیات یک انسان است. آن ہم فرزند. میان دو فاعل با رابطہ نسبی یکسان تفاوت نهاد؟ آیا اصل شخصی بودن مجازات‌ها، اصل تناسب جرم و مجازات، و اصل عدم تبعیض در برابر قانون، با این استثناء ہمخوانی دارند؟

از سوی دیگر، از حیث حقوق کودک، این مادہ می‌تواند بہ صورت غیرمستقیم موجب تضییع حقوق بنیادین کودکان در برابر خشونت خانگی شود. در موارد متعدد، پدرانی کہ فرزندان خود را بہ قتل رسانده‌اند، تنها با پرداخت دیہ یا حداکثر حبس تعزیری مواجه شده‌اند. پروندہ‌هایی چون قتل رومینا اشرفی، فاطمہ سلطانی یا موارد مشابہ، در حافظہ جمعی جامعہ ایرانی، احساس عمیقی از بی‌عدالتی و بی‌پناہی در حمایت قانونی از کودکان ایجاد

کرده‌اند .

همچنین، از منظر برابری جنسیتی، چنین تمایزی میان پدر و مادر، نوعی تبعیض ساختاری علیه زنان به شمار می‌رود. در حالی که اصل ۲۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر تساوی همه افراد در برابر قانون فارغ از جنسیت تأکید دارد و اصل ۲۱ بر لزوم حمایت ویژه از حقوق زنان تصریح می‌کند، اجرای ماده ۳۰۱، عملاً نظام حقوقی را در مسیر تقویت نوعی تبعیض مثبت به نفع مردان قرار می‌دهد که بر پایه منطق عدالت و کرامت انسانی، محل اشکال جدی است .

افزون بر این، از حیث فلسفه فقه و اجتهاد معاصر، پرسش‌هایی در خصوص امکان بازنگری در این حکم مطرح است. آیا اجتهاد، که اساساً ناظر به پاسخ‌گویی به نیازهای متغیر زمان است، نمی‌تواند با توجه به شرایط امروز، روایات محدود و قابل تأویل را به گونه‌ای دیگر بفهمد؟ آیا با تکیه بر قواعدی همچون «قاعده لاضرر»، «قاعده عدالت»، «قاعده حفظ نظام» و اصل «حرمت دم‌آلودگی»، نمی‌توان فقه را در این زمینه به سوی رویکردی بازنگرانه سوق داد؟ البته فقهایی چون آیت‌الله منتظری، آیت‌الله صانعی، و برخی پژوهشگران فقهی معاصر، خواستار بازخوانی این حکم در پرتو مقاصد کلان شریعت شده‌اند .

در نهایت، این حکم حقوقی نه تنها پیامدهای فقهی و حقوقی قابل توجهی دارد، بلکه تأثیرات اجتماعی و روان‌شناختی آن نیز قابل انکار نیست. برداشت عمومی از اینکه پدر در قتل فرزند از مصونیت برخوردار است، می‌تواند به سست شدن پیوندهای عاطفی در خانواده، کاهش حس امنیت کودکان، و تضعیف اعتماد عمومی به نظام قضایی منجر شود .

بنابراین، مسئله اصلی این پژوهش آن است که آیا ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی، با وجود استناد به مبانی فقهی معتبر، همچنان در جهان اجتماعی، حقوقی و فکری معاصر، قابل دفاع است؟ آیا عدالت، به عنوان یکی از مقاصد عالیه شریعت، ایجاب نمی‌کند که در این حکم بازاندیشی شود؟ این مقاله بر آن است که ضمن واکاوی مبانی فقهی این حکم و تحلیل حقوقی و اجتماعی آن، امکان اصلاح، تعدیل یا تفسیر نوین آن را در پرتو اصول متعالی فقه اسلامی و حقوق بشر اسلامی بررسی نماید.



اهمیت و ضرورت پژوهش

پژوهش حاضر از جنبه‌های گوناگون دارای اهمیت و ضرورتی مضاعف است؛ چه از منظر نظام عدالت کیفری جمهوری اسلامی ایران، چه از منظر فقه اجتهادی پویا و مأخوذ از مصالح جامعه اسلامی، و چه در پرتو تحولات اجتماعی، فرهنگی و حقوقی معاصر در ایران که هم‌اکنون در مواجهه با چالش‌های نوپدیدی چون بحران خانواده، افزایش خشونت خانگی، و تضییع حقوق کودک قرار دارد.

۱. ضرورت فقهی: بازخوانی در پرتو اجتهاد پویا

یکی از مهم‌ترین ضرورت‌های این پژوهش، لزوم بازخوانی و تحلیل مجدد مبانی فقهی معافیت پدراز قصاص در قتل فرزند است. اگرچه فتوای مشهور فقه امامیه معافیت پدراز قصاص را پذیرفته است، اما بررسی دقیق نشان می‌دهد که این فتوا مستند به روایاتی معدود و قابل تأویل بوده و در دوره‌ای خاص از تطور فقهی شیعه تثبیت شده است.

در حالی که مبانی اجتهاد شیعی، مبتنی بر عقلانیت، زمان‌مندی، عدالت‌محوری و انعطاف در مواجهه با تغییرات اجتماعی است. بازخوانی این حکم در پرتو اصولی چون: «قاعده لاضرر»، «قاعده عدالت»، «حرمت خون مسلمان» و «قاعده نفی سبیل»، ضرورتی اساسی در فقه معاصر تلقی می‌شود. بدین ترتیب، پژوهش حاضر می‌تواند گامی در راستای توسعه فقه حکومتی و به‌روزرسانی آن بر مبنای اقتضائات اجتماعی باشد.

۲. ضرورت حقوقی: تعارض با اصول قانون اساسی و عدالت کیفری

ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی از منظر حقوقی نیز محل تردید جدی است؛ زیرا با اصول متعدد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران همچون: اصل ۲۰ (تساوی در برابر قانون)، اصل ۲۱ (حقوق زنان)، اصل ۲۲ (مصونیت جان، مال و حیثیت افراد)، اصل ۱۵۶ (وظایف قوه قضائیه در تحقق عدالت)، در تعارض جدی قرار دارد. همچنین با اصول اساسی عدالت کیفری مدرن همچون: شخصی بودن مجازات، تناسب میان جرم و مجازات، اصل برائت، و منع تبعیض،



همخوانی ندارد.

پژوهش حاضر می‌تواند زمینه‌ساز نقد حقوقی مؤثر بر این ماده و پیشنهادهایی برای اصلاح قانون در راستای انطباق با ساختار حقوقی کشور باشد.

۳. ضرورت اجتماعی: پیامدهای روانی و خانوادگی

بی‌عدالتی ادراک شده از اجرای ماده ۳۰۱ نه تنها یک مسئله فقهی یا حقوقی صرف نیست، بلکه به مسئله‌ای عمیقاً اجتماعی، فرهنگی و روانی در بطن جامعه ایران بدل شده است. قتل‌هایی مانند پرونده رومینا اشرفی، کودک‌آزاری‌های مکرر، و واکنش‌های اجتماعی گسترده به این وقایع، نشان‌دهنده آن است که مردم دیگر حاضر نیستند احکامی را که با عقل، وجدان، عدالت، و اخلاق عمومی تعارض دارد، به‌سادگی بپذیرند.

پژوهش حاضر درصدد است به پرسش‌هایی پاسخ دهد که جامعه، به‌ویژه خانواده‌ها، زنان، کودکان، فعالان حقوق بشر و حتی قضات با آن مواجه‌اند: چرا پدر حق دارد فرزند را بکشد و از قصاص مصون بماند؟ چرا مادر چنین حقی ندارد؟ آیا پدر، به‌صرف رابطه نسبی، از شمول مجازات سلب حیات خارج می‌شود؟ پیامد این رویکرد بر امنیت روانی کودکان و انسجام خانواده چیست؟

۴. ضرورت در مطالعات جنسیت: شکاف حقوقی و جنسیتی

این پژوهش همچنین از منظر مطالعات جنسیت و حقوق زنان اهمیت ویژه‌ای دارد. تفکیک حقوقی میان پدر و مادر در قتل فرزند، عملاً به برتری ساختاری و حقوقی مردان در نظام کیفری ایران انجامیده است. این تفکیک، تصویر نابرابری را بازتولید می‌کند که با اصول حقوق اسلامی در خصوص کرامت انسانی و با تلاش‌های بین‌المللی در راستای عدالت جنسیتی مغایرت دارد.

بنابراین، پژوهش حاضر بستری است برای ارزیابی نسبت میان فقه اسلامی و عدالت جنسیتی و می‌تواند به ادبیات علمی در این حوزه نیز افزوده شود.



۵. ضرورت قانونی و قانون گذاری

با توجه به افزایش فشارهای اجتماعی، رسانه‌ای و حقوقی نسبت به این ماده، ضرورت دارد قانون گذار و مجمع تشخیص مصلحت نظام، نهادهای تقنینی و فقهی کشور، بر اساس پژوهش‌های عمیق و مستند نسبت به اصلاح یا تفسیر موسع این ماده اقدام کنند. این پژوهش می‌تواند به عنوان یکی از مطالعات پیشینی در خدمت این فرآیند بازنگری قانونی قرار گیرد. در مجموع، پژوهش حاضر نه تنها گامی در جهت بررسی یک حکم فقهی و قانونی خاص است، بلکه تلاشی است برای ایجاد تعادل میان سنت و زمانه، شریعت و عدالت، فقه و حقوق، و دین و زندگی. چنین تلاشی در دورانی که نظام حقوقی و دینی با پرسش‌های نوین و چندلایه روبه‌روست، ضرورتی انکارناپذیر دارد.

اهداف پژوهش

پژوهش حاضر با هدف بازخوانی و تحلیل فقهی - حقوقی ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی انجام می‌گیرد. این ماده، با استناد به فقه امامیه، پدر را از مجازات قصاص در صورت قتل فرزند معاف دانسته، حال آن که چنین استثنایی برای مادر لحاظ نشده است. این حکم حقوقی از جهات مختلف، به ویژه از منظر عدالت کیفری، برابری جنسیتی، و حقوق کودک، قابل تأمل و نقد است. بر همین اساس، اهداف اصلی این پژوهش عبارتند از:

- (۱) واکاوی مبانی فقهی ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی و تحلیل ادله فقهی‌ای که عدم قصاص پدر را توجیه می‌کنند
- (۲) بررسی دیدگاه‌های مختلف فقه‌های امامیه درباره مسئله قتل فرزند توسط پدر و مادر و تحلیل اختلاف نظرهای موجود (در صورت وجود)
- (۳) تحلیل حقوقی ماده ۳۰۱ از منظر اصول کلی حقوق کیفری، به ویژه اصل برابری، عدالت و کرامت انسانی
- (۴) نقد جنسیتی حکم موجود با تمرکز بر تبعیض بین پدر و مادر در مجازات جرم مشابه (قتل فرزند)



(۵) مطالعه تطبیقی این حکم با نظام‌های حقوقی سایر کشورهای اسلامی و غیر اسلامی
(۶) بررسی آثار و پیامدهای اجتماعی و روانی این حکم بر خانواده، به‌ویژه بر امنیت و حقوق کودک

(۷) ارائه راهکارهای فقهی و حقوقی برای اصلاح یا بازنگری ماده ۳۰۱ با بهره‌گیری از ظرفیت‌های فقه پویا و اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

سوالات پژوهش

پرسش اصلی

(۱) چه مبانی فقهی و حقوقی، معافیت پدر از قصاص در صورت قتل فرزند را توجیه می‌کند و این مبانی تا چه اندازه با اصول عدالت کیفری، آموزه‌های اسلامی درباره کرامت انسانی، و اقتضائات جامعه معاصر سازگار است؟

پرسش‌های فرعی

- (۱) چه ادله فقهی (قرآنی، روایی، اصولی) برای معافیت پدر از قصاص در فقه امامیه مطرح شده و این ادله از حیث دلالت، سند و تعارض چگونه قابل ارزیابی‌اند؟
- (۲) ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی تا چه اندازه منطبق با اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه اصول ناظر به تساوی، عدالت، و کرامت انسانی است؟
- (۳) چه تفاوت‌های حقوقی و فقهی میان پدر و مادر در قتل فرزند وجود دارد و آیا این تفاوت‌ها با اصل برابری در مجازات و عدالت جنسیتی سازگارند؟
- (۴) نقش اجتهاد پویا در بازنگری این حکم چیست و آیا امکان استنباط حکم متفاوت با حفظ چارچوب‌های شرعی وجود دارد؟
- (۵) اجرای این ماده چه پیامدهای اجتماعی، فرهنگی و روانی برای کودکان، خانواده‌ها و جامعه دارد؟
- (۶) چه اصلاحات حقوقی و فقهی می‌توانند برای بازنگری ماده ۳۰۱ و نزدیک‌سازی آن به



عدالت اسلامی و واقعیت‌های اجتماعی امروز پیشنهاد شوند؟

روش تحقیق

نوع پژوهش

این پژوهش از نوع تحقیق توصیفی-تحلیلی و کیفی محسوب می‌شود که با هدف تبیین و تحلیل عمیق مبانی فقهی و حقوقی مرتبط با ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی و حکم معافیت پدر از قصاص در قتل فرزند، انجام می‌پذیرد. روش توصیفی-تحلیلی، امکان استخراج و بررسی مستندات متنی را فراهم می‌سازد و زمینه‌ساز تحلیل دقیق مستندات فقهی و حقوقی با رویکرد انتقادی است

روش گردآوری داده‌ها

در این پژوهش، داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای و اسنادی جمع‌آوری می‌شود. منابع مورد مطالعه شامل موارد زیر است :

منابع فقهی دست اول

کتب معتبر فقه امامیه و اصول فقه مانند «المکاسب»، «اللمعة الدمشقية»، «شرح العروة الوثقی»، «الکافی» و «بحارالانوار»، فتاوی و استفتائات مراجع تقلید و فقه‌های معاصر

متون حقوقی

قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحات بعدی)، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، آرای وحدت رویه قضایی، کتب و مقالات تخصصی حقوق کیفری و حقوق بشر اسلامی

مطالعات تطبیقی و منابع جانبی

آثار و مقالات مرتبط با عدالت کیفری، مطالعات جنسیتی در فقه و حقوق، و پژوهش‌های مرتبط با حقوق زنان و خانواده.



روش تحلیل داده‌ها

داده‌های گردآوری شده از طریق روش تحلیل محتوایی کیفی مورد پردازش و تفسیر قرار می‌گیرد. تحلیل محتوایی در این پژوهش شامل:

- ✓ شناسایی مفاهیم و اصول کلیدی در منابع فقهی و حقوقی؛
- ✓ مقایسه و تطبیق مفاهیم با اصول عدالت کیفری، حقوق بشر اسلامی و عدالت جنسیتی؛
- ✓ نقد و ارزیابی استدلال‌های فقهی و حقوقی با تمرکز بر تناسب حکم با مقتضیات زمان و عدالت اجتماعی

جامعه آماری و نمونه‌گیری

با توجه به ماهیت کیفی و تحلیلی پژوهش، جامعه آماری به صورت منابع مکتوب فقهی و حقوقی معتبر تعریف شده است. نمونه‌گیری هدفمند و غیرتصادفی از میان مهم‌ترین کتب و متون مرتبط با موضوع انجام می‌شود تا عمق و دقت تحلیل حفظ گردد

چارچوب نظری و مفهومی

این پژوهش بر مبنای اصول و قواعد فقهی نظیر «قاعده لاضرر»، «قاعده نفی سبیل»، «قاعده عدالت» و «حرمت خون مسلمان» استوار است. همچنین مبانی حقوقی عدالت کیفری و حقوق بشر اسلامی و مباحث مطالعات جنسیتی و عدالت جنسیتی، چارچوب مفهومی پژوهش را شکل می‌دهند. تحلیل‌ها با رویکرد تطبیقی و انتقادی نسبت به قوانین جاری و فتاوی فقها صورت می‌پذیرد.

ادبیات پژوهش و مبانی نظری

۱.۱ ادبیات پژوهش

ادبیات پژوهش این موضوع، متشکل از منابع فقهی، حقوقی و مطالعات بین‌رشته‌ای، چارچوبی تحلیلی برای بررسی دقیق حکم معافیت پدر از قصاص در قتل فرزند فراهم می‌آورد. در زمینه فقهی، بررسی آثار کلاسیک فقه امامیه از قبیل «المکاسب» شیخ انصاری (۱۳۲۰ق)

نشان می‌دهد که اصل عدم قصاص پدر ناشی از مفاهیم «ولاء» و «نسب» و نیز برخی روایات معتبر است. روایت مشهور امام صادق علیه السلام مبنی بر اینکه «لا قصاص علی الوالد فی قتل ولده» (کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۴۶۲) مبنای شرعی این قاعده است. فقها همچون شهید اول در «اللمعة الدمشقیة» و مراجع معاصر نیز به استناد به این مبانی، حکم به معافیت پدر داده‌اند. این قاعده در فقه شیعی بر پایه حفظ نظم خانوادگی و جلوگیری از تزلزل روابط خونی قرار گرفته است، لیکن از منظر عدالت کیفری معاصر، چالش‌های جدی مطرح است (صانعی، ۱۳۷۸).

از منظر حقوقی، ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) به صراحت پدر را از قصاص قتل فرزند معاف کرده است، ولی مادر را قصاص‌پذیر می‌داند. این قانون به رغم ریشه در فقه سنتی دارد، اما با اصول قانون اساسی ایران، به ویژه اصل برابری و عدالت اجتماعی، تعارض دارد.

تحقیقات حقوقی متعددی، از جمله مطالعات کریمی (۱۳۹۵) و مرادی (۱۳۹۸)، به نقد این ماده پرداخته و لزوم بازنگری آن را بر اساس استانداردهای حقوق بشر اسلامی و عدالت کیفری تبیین کرده‌اند. همچنین، آرای وحدت رویه قضایی پیرامون اجرای ماده مذکور نشان‌دهنده پراکندگی در تفسیر و اجرای آن است که خود به بی‌ثباتی قضایی دامن می‌زند (نجفی، ۱۳۹۹).

مطالعات حوزه مطالعات جنسیتی و حقوق زنان نیز بر این نکته تأکید دارند که تفاوت حقوقی میان پدر و مادر در قصاص، با استانداردهای عدالت جنسیتی و کرامت انسانی ناسازگار است. پژوهش‌های حسینی (۱۳۹۸) و احمدی (۱۴۰۱) نشان می‌دهد که این تفاوت نه تنها موجب تبعیض قانونی می‌شود بلکه تأثیرات منفی روانی و اجتماعی گسترده‌ای بر زنان و خانواده‌ها دارد. در عرصه تطبیقی، کشورهای اسلامی دیگری همچون مصر و اندونزی، به سمت اصلاح قوانین کیفری خود در جهت تساوی مسئولیت کیفری والدین حرکت کرده‌اند که می‌تواند الگوی عملی برای اصلاح قوانین ایران باشد (محمدی، ۱۳۹۹).

۲. مبانی نظری

مبانی نظری این پژوهش را می‌توان در چهار محور اصلی خلاصه کرد:





الف) اصول و قواعد فقهی

- ❖ **قاعده لاضرر (نهی از ضرر):** این قاعده در فقه امامیه بر منع هرگونه ضرر و تجاوز به حقوق دیگران تأکید دارد (حرعاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۴۵). اجرای حکمی که نابرابری آشکار میان والدین ایجاد کند، می‌تواند مصداق بارز ضرر ناموجه تلقی شود.
- ❖ **قاعده عدالت:** عدالت در فقه، هم به معنای انصاف در حقوق و هم به عنوان ملاک تشریع احکام است (موردی، ۱۳۷۶). قصاص باید مبتنی بر عدالت واقعی و متناسب با جرم باشد.
- ❖ **قاعده نفی سبیل:** جلوگیری از تزلزل روابط خانوادگی و حفظ انسجام اجتماعی از اهداف فقهی است (کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۱۱۵). اما این قاعده نباید به قیمت تضییع عدالت کیفری باشد.

ب) مبانی حقوقی

- ❖ **اصل برابری و عدم تبعیض:** قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول ۱۹ و ۲۰ تأکید بر برابری همه افراد در برابر قانون دارد. هرگونه تبعیض جنسیتی در اجرای عدالت کیفری مخالف این اصول است.
- ❖ **حقوق بشر اسلامی:** مستند به اعلامیه جهانی حقوق بشر و اسناد فقهی-حقوقی اسلامی، رعایت کرامت انسانی و عدالت کیفری ضروری است (کریم‌زاده، ۱۳۹۴).

ج. مبانی مطالعات جنسیتی

- ❖ **مطالعات جنسیتی بر ضرورت حذف تبعیض‌های قانونی میان زن و مرد تأکید دارند و بر رعایت عدالت جنسیتی و حفظ کرامت انسانی در قوانین کیفری پافشاری می‌کنند (عبداللهی، ۱۳۹۷).**
- ❖ **تفاوت در حکم قصاص بین مادر و پدر، تعارض آشکار با این مبانی ایجاد می‌کند و زمینه بروز نابرابری اجتماعی و حقوقی را فراهم می‌آورد**

د) چارچوب تطبیقی و انتقادی

- ❖ تحلیل تطبیقی قوانین کشورهای اسلامی و الگوهای موفق اصلاح قوانین کیفری در حوزه مسئولیت کیفری والدین، به عنوان مبنایی برای پیشنهاد اصلاحات حقوقی به کار گرفته می شود (محمدی، ۱۳۹۹)
- ❖ رویکرد انتقادی بر نقد مستمر قواعد سنتی در پرتو تغییرات اجتماعی، حقوق بشر و عدالت معاصر تأکید دارد.

پیشینه پژوهش

۱. پیشینه فقهی

موضوع قصاص و حدود و دیات در فقه اسلامی، از جمله مباحث محوری فقه کیفری است که در کتب اصول فقه و فقه امامیه مورد بحث گسترده قرار گرفته است. قاعده معافیت پدر از قصاص در قتل فرزند ریشه در روایات و قواعد فقهی دارد که از جمله مهم ترین منابع آن می توان به کتاب «المکاسب» شیخ انصاری (۱۳۲۰ق) اشاره کرد که مباحثی در خصوص ولایت و نسب و تأثیر آن بر حدود و قصاص مطرح کرده است. همچنین در کتاب «اللمعة الدمشقية»، صاحب لمعه، به تحلیل قواعد مرتبط با قصاص پرداخته شده است. از دیدگاه فقه امامیه، بر اساس روایت منقول از امام صادق علیه السلام که می فرماید: «لا قصاص علی الوالد فی قتل ولده» (کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۴۶۲)، پدر در قتل فرزند قصاص نمی شود.

در فتاوی مراجع تقلید نیز این موضوع به وضوح تبیین شده است؛ به عنوان مثال در رساله آیت الله امام خمینی رحمته الله علیه و آیت الله سیستانی، این قاعده مورد تأکید قرار گرفته است. با این حال، برخی فقها مانند آیت الله صانعی در مباحث اجتهادی خود به بازنگری در این حکم پرداخته اند و بر ضرورت تأمل در باب عدالت کیفری و تناسب حکم با شرایط معاصر تأکید کرده اند (صانعی، فقه و حقوق کیفری، ۱۳۷۸)



۲. پیشینه حقوقی

از منظر حقوقی، ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) به طور صریح قید می‌کند که در صورت قتل فرزند، پدر از قصاص معاف است، اما مادر قصاص می‌شود. این ماده براساس برداشت‌های سنتی فقهی تدوین شده و در متن قانون موجود به رسمیت شناخته شده است. مطالعات حقوقی متعدد در ایران این ماده را از حیث مغایرت با اصول قانون اساسی مانند اصل برابری و عدالت مورد نقد قرار داده‌اند (به عنوان نمونه، کریمی، ۱۳۹۵؛ مرادی، ۱۳۹۸). همچنین، آثار تخصصی حقوق کیفری به بررسی تعارض این ماده با اصول کلی کیفری و حقوق بشر اسلامی پرداخته و ضرورت اصلاح آن را مطرح کرده‌اند (رهنما، ۱۴۰۰). آرای وحدت رویه قضایی پیرامون این موضوع به تناقضاتی در اجرا منجر شده است که مطالعات موردی آن‌ها در مقالات حقوقی و تحلیل‌های قضایی انعکاس یافته است (نجفی، ۱۳۹۹).

۳. پیشینه مطالعات تطبیقی و جنسیتی

مطالعات تطبیقی در فقه و حقوق کیفری نشان می‌دهد که بسیاری از نظام‌های حقوقی اسلامی معاصر تلاش کرده‌اند با توجه به مفاهیم عدالت جنسیتی، تفاوت‌های نا عادلانه میان والدین را کاهش دهند (سید، ۲۰۱۵). مطالعات حوزه حقوق زنان و مطالعات جنسیتی به طور مستمر بر نابرابری‌های موجود در قوانین کیفری ایران، به ویژه در ماده ۳۰۱، تأکید کرده و آن را در تعارض با مبانی عدالت جنسیتی و کرامت انسانی دانسته‌اند (حسینی، ۱۳۹۸؛ احمدی، ۱۴۰۱). پژوهش‌های تطبیقی در کشورهای مانند مصر، ترکیه و اندونزی نشان می‌دهد که برخی اصلاحات قانونی در جهت تساوی مسئولیت کیفری والدین در قتل فرزند صورت گرفته است که می‌تواند الگوی مناسبی برای اصلاح قوانین ایران باشد (محمدی، ۱۳۹۹).



چهارچوب اصلی بحث

در این بخش با توجه به اهمیت موضوع به بررسی پنجگانه ذیل و به دنبال آن بررسی آثار پژوهش‌هایی به عمل آمده خواهیم پرداخت؛

- ✓ تحلیل فقهی حکم ماده ۳۰۱ (بررسی مستندات فقهی معافیت پدر و قصاص مادر)
- ✓ تحلیل حقوقی حکم ماده ۳۰۱ و تطبیق آن با اصول قانون اساسی و حقوق بشر
- ✓ بررسی آثار اجتماعی و حقوقی اجرای این حکم (چالش‌ها و پیامدها)
- ✓ مطالعه تطبیقی برخی نظام‌های حقوقی اسلامی در این زمینه
- ✓ پیشنهادات اصلاحی و راهکارهای حقوقی و فقهی

۱. تحلیل فقهی حکم ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی

۱.۱. مبنای فقهی معافیت پدر از قصاص

در فقه امامیه، اصل معافیت پدر از قصاص قتل فرزند بر مبنای روایات معتبر و قواعد فقهی استوار است. یکی از مشهورترین روایات در این زمینه، روایت امام جعفر صادق علیه السلام است که در «الکافی» (جلد ۵، ص ۴۶۲) نقل شده است: «لا قصاص علی الوالد فی قتل ولده». این روایت به صراحت اعلام می‌کند که پدر در قتل فرزند قصاص نمی‌شود. این حکم توسط بسیاری از فقهای بزرگ، از جمله شیخ انصاری در «المکاسب» و شهید اول در «اللمعة الدمشقیة» تأیید شده است.

علت اصلی این قاعده فقهی، حفظ پیوندهای خونی و انسجام خانواده به عنوان رکن اساسی جامعه اسلامی است. همچنین، برخی فقها بر این باورند که امکان وجود سوءنیت و اشتباه در خانواده، باید با رویکردی ملایم‌تر برخورد شود تا موجب تزلزل بنیان خانواده نگردد (کلینی، الکافی، ج ۵؛ انصاری، المکاسب).

۱.۲. تحلیل تفسیری روایت و اقوال فقها

برخی از فقها بر این عقیده‌اند که روایت فوق دلالت بر یک قاعده کلی و قطعی دارد که در

همه شرایط حکم به معافیت پدر می دهد، اما برخی دیگر، مانند آیت الله خویی و سید شرف الدین، معتقدند این روایت ناظر به شرایط خاص و عاملیت عمدی است و نمی توان آن را مطلق کرد. این اختلاف نظرها در اجتهاد معاصر به بازنگری در قاعده مذکور منجر شده است (صانعی، فقه و حقوق کیفری، ۱۳۷۸)

۱،۳. جایگاه مادر در قصاص

برخلاف پدر، حکم قصاص مادر در قتل فرزند در فقه امامیه مورد اتفاق فقها نیست و معمولاً مادر به سبب آنکه نقش حقوقی و عرفی متفاوتی دارد، مشمول قصاص شناخته شده است. علت این تفاوت عمدتاً برگرفته از روایات و سنت های فقهی است که نقش مادری را متفاوت و محدودتر از پدری می دانند. به عنوان مثال، برخی روایات به تأکید بر مسئولیت بیشتر پدر در تربیت و ولایت اشاره دارند که در عرصه قصاص نیز تأثیرگذار است (اللمعة الدمشقية، شهید اول)

۱،۴. نقد فقهی قاعده معافیت پدر از قصاص

از منظر فقهی نوین، برخی فقها به ضرورت بازنگری در این قاعده تأکید دارند. آنان استدلال می کنند که حفظ خانواده نباید موجب تضییع عدالت کیفری شود و هرگونه تخلفی باید مطابق عدالت کیفری رسیدگی شود. همچنین، با توجه به اصول کلی فقهی مانند قاعده «العدل اساس الملك» و «لاضرر»، تبعیض در قصاص والدین از نظر عدالت ناپسند است (صانعی، همان)

۲. تحلیل حقوقی حکم ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی و تطبیق آن با اصول قانون اساسی و حقوق بشر

بشر

۱،۲. بررسی حقوقی ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی

ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، به طور صریح بیان می کند که اگر پدر فرزند خود را به قتل برساند، قصاص نمی شود، اما در مورد مادر این استثناء وجود ندارد و مادر در صورت قتل فرزند قصاص می شود (قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲، ماده ۳۰۱)

این ماده بر اساس مستندات فقهی سنتی و اجتهاد فقهای امامیه تدوین شده است؛ با این



حال، از منظر حقوق کیفری نوین و حقوق بشر، این تبعیض آشکار میان پدر و مادر با اصول بنیادین عدالت و برابری مغایرت دارد (مرادی، ۱۳۹۸)

۲،۲. تعارض ماده ۳۰۱ با اصول قانون اساسی ایران

اصل ۱۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصریح دارد که «همه افراد ملت اعم از زن و مرد در حمایت قانون یکسانند و همه افراد ملت در برابر قانون برابرند» (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۵۸، اصل ۱۹)

علاوه بر آن، اصل ۲۰ نیز به کرامت انسانی و حق برخورداری از حمایت‌های قانونی و قضایی بدون تبعیض تأکید می‌کند (همان)

بر این اساس، ماده ۳۰۱ با ایجاد تبعیض جنسیتی میان پدر و مادر در قصاص، صریحاً مغایر با این اصول بنیادین قانون اساسی است و می‌تواند زمینه‌ساز نقض حقوق شهروندی و ایجاد بی‌عدالتی در نظام کیفری گردد (کریمی، ۱۳۹۵)

۲،۳. تعارض ماده ۳۰۱ با اسناد بین‌المللی حقوق بشر

ایران به عنوان عضو کنوانسیون‌های مختلف بین‌المللی، از جمله «کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان» (CEDAW)، متعهد به رعایت اصل برابری و عدم تبعیض شده است (CEDAW، ۱۹۷۹)

ماده ۳۰۱ که حکم متفاوتی برای پدر و مادر قائل می‌شود، با اصل برابری جنسیتی و منع تبعیض این اسناد در تضاد است. این نقیصه موجب نقد شدید از سوی نهادهای حقوق بشری و فعالان حقوق زنان شده است (احمدی، ۱۴۰۱)

۲،۴. نقد حقوقی و ضرورت اصلاح ماده ۳۰۱

بر اساس تحلیل‌های حقوقی، حفظ شأن و کرامت انسانی، احترام به برابری قانونی و عدالت کیفری، مستلزم بازنگری در ماده ۳۰۱ است (رهنما، ۱۴۰۰)

همچنین، عدم تجانس ماده ۳۰۱ با اصول قانونی داخلی و تعهدات بین‌المللی ایران،



ضرورت اصلاح فوری این ماده را به منظور تضمین عدالت کیفری و حقوق بشر اسلامی نشان می‌دهد (نجفی، ۱۳۹۹)

۳. بررسی آثار اجتماعی و حقوقی اجرای حکم ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی

۱.۳. پیامدهای اجتماعی اجرای معافیت پدر از قصاص

اجرای حکم معافیت پدر از قصاص قتل فرزند، از منظر اجتماعی پیامدهای متعددی به دنبال دارد. این حکم، بر اساس نگرش‌های فقهی سنتی، با هدف حفظ تداوم و انسجام خانواده طراحی شده است، چرا که خانواده به عنوان نخستین نهاد اجتماعی و پایه اصلی اجتماع شناخته می‌شود (کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۴۶۲؛ شهید ثانی، منیه المحتاج، ج ۳). با این حال، تحقیقات جامعه‌شناختی نشان می‌دهد که تبعیض آشکار میان پدر و مادر در مجازات قتل فرزند می‌تواند موجب بروز نارضایتی اجتماعی، کاهش اعتماد به عدالت قضایی و افزایش شکاف‌های خانوادگی گردد (حسینی، ۱۳۹۸؛ رجبی، ۱۴۰۰).

مطالعات میدانی در ایران نشان داده است که خانواده‌هایی که در آنها چنین احکامی اعمال شده، با مشکلات روانی و اجتماعی فراوانی مواجه شده‌اند که ناشی از احساس بی‌عدالتی و تبعیض حقوقی است (رحیمی، ۱۳۹۹).

۲.۳. تأثیرات روانی و حقوقی بر اعضای خانواده

احساس بی‌عدالتی و تبعیض در اجرای حکم قصاص، به ویژه برای مادر یا سایر اعضای خانواده، موجب ایجاد اختلالات روانی از جمله اضطراب، افسردگی و احساس طردشدگی اجتماعی می‌شود (احمدی، ۱۴۰۱؛ زارعی، ۱۳۹۷).

از نظر حقوق کیفری، این حکم موجب تناقض در اصل برابری همگان در برابر قانون می‌شود و اجرای آن، مغایر اصل عدالت کیفری است که باید بر اساس آن مجازات‌ها برابر و متناسب با جرم اعمال شود (مرادی، ۱۳۹۸؛ رهنما، ۱۴۰۰).

این تناقض حقوقی، به شکل‌گیری دوگانگی در نظام قضایی منجر می‌شود که می‌تواند



موجب کاهش اعتبار و مشروعیت دستگاه قضایی در افکار عمومی گردد (نجفی، ۱۳۹۹)

۳،۳. پیامدهای حقوقی و تبعیض جنسیتی

اجرای ماده ۳۰۱ به عنوان مصداق آشکار تبعیض جنسیتی در نظام کیفری شناخته شده است؛ امری که با اصول حقوق بشر و کرامت انسانی در تضاد است (رهنما، ۱۴۰۰). این تبعیض نه تنها باعث کاهش اعتماد عمومی به عدالت می‌شود، بلکه نقض اصول اساسی قانون اساسی ایران مانند اصل ۱۹ (برابری افراد در حمایت قانون) و اصل ۲۰ (کرامت انسانی) را به همراه دارد (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۵۸). همچنین، این حکم در تضاد با تعهدات بین‌المللی ایران، از جمله کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان (CEDAW) است که بر برابری کامل حقوق زنان و مردان تأکید دارد (CEDAW، ۱۹۷۹؛ احمدی، ۱۴۰۱).

۳،۴. تحلیل انتقادی و ضرورت بازنگری

برخی حقوق‌دانان و فقه‌های معاصر بر ضرورت بازنگری این ماده تأکید دارند و معتقدند عدالت کیفری باید فارغ از هرگونه تبعیض جنسیتی و طبق اصول عدالت اسلامی باشد (صانعی، فقه و حقوق کیفری، ۱۳۷۸؛ رهنما، ۱۴۰۰). بازنگری در ماده ۳۰۱، می‌تواند علاوه بر رفع تبعیض‌های موجود، موجب افزایش اعتبار دستگاه قضایی و تأمین حقوق شهروندی شود و همچنین از آسیب‌های روانی و اجتماعی ناشی از اجرای این حکم بکاهد (نجفی، ۱۳۹۹).

۴. مطالعه تطبیقی نظام‌های حقوقی درباره قصاص والدین در قتل فرزند

۱،۴. نظام حقوقی فقه جعفری (شیعه اثنی عشری)

در فقه جعفری که مبنای قانون مجازات اسلامی ایران است، ماده ۳۰۱ به صراحت پدر را از قصاص قتل فرزند معاف می‌کند، ولی مادر از این قاعده مستثنی نیست. این استثناء مبتنی بر جایگاه ویژه پدر در نسب و ولایت بر فرزند است که حفظ انسجام خانواده را هدف قرار می‌دهد.



(شهید اول، رسائل، ج ۳؛ امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲).

فقها معتقدند که قصاص پدر به فروپاشی نهاد خانواده منجر می شود و به همین دلیل قصاص علیه او اعمال نمی شود؛ اما مادر چنین استثنایی ندارد (شیخ انصاری، مکاسب، ج ۲)

۲،۴. نظام حقوقی اهل سنت

فقه اهل سنت (مذاهب حنفی، شافعی، مالکی و حنبلی) به طور کلی قصاص والدین در قتل فرزند را نمی پذیرند و در مواردی این قتل را مشمول تعزیرات می دانند (الزرقانی، شرح المقنع؛ النووی، شرح صحیح مسلم؛ ابن قدامه، المغنی).
در برخی مذاهب اهل سنت، حتی قصاص علیه والدین در قتل فرزند نیز ممنوع است تا روابط خونی و خانواده حفظ شود، و مجازات ها بیشتر به صورت تعزیری و با هدف اصلاح و نه انتقام اعمال می شود.

۳،۴. نظام های حقوقی کشورهای اسلامی معاصر

در بسیاری از کشورهای اسلامی معاصر همچون مصر، تونس، مراکش و اندونزی، قوانین کیفری مدرن تر و بر پایه تعهدات بین المللی تدوین شده اند و معمولاً قصاص والدین در قتل فرزند ممنوع است. این کشورها به جای قصاص، مجازات های تعزیری از قبیل حبس یا پرداخت دیه را اعمال می کنند (قانون کیفری مصر، ۲۰۱۵؛ قانون کیفری تونس، ۲۰۱۶؛ قانون کیفری اندونزی).

این رویکردها بیشتر با تأکید بر حفظ کرامت انسانی، عدالت کیفری و جلوگیری از تبعیض جنسیتی تنظیم شده اند و در راستای حقوق بشر و اسناد بین المللی قرار دارند (سید، ۱۳۹۷).

۴،۴. بررسی تطبیقی در نظام های حقوقی غیر اسلامی

۱،۴،۴. نظام حقوقی غربی (اروپا و آمریکا)

در نظام های حقوقی اروپایی و آمریکایی که بر مبنای حقوق مدنی و کیفری سکولار استوارند، قصاص به عنوان مجازات قانونی وجود ندارد و قتل عمد تحت قوانین کیفری مجازات



می شود. در این نظام ها، قاتل، صرف نظر از نسبت خانوادگی، باید پاسخگو باشد و تبعیض جنسیتی یا خانوادگی در اعمال عدالت وجود ندارد (ابراهام، ۲۰۱۲؛ اسمیت، ۲۰۱۸)

حقوق کیفری این کشورها بیشتر بر اصل برابری، حفظ کرامت انسانی و پیشگیری از جرم تأکید دارد و مجازات ها به صورت زندان، جریمه یا اقدامات اصلاحی تعریف می شوند (جرمی، ۲۰۱۵)

۲،۴،۴. نظام حقوقی کشورهای شرق آسیا (ژاپن و چین)

در کشورهایی مانند ژاپن و چین، قتل عمد به شدت مجازات می شود، اما قصاص بدنی وجود ندارد. مجازات قاتل، فارغ از نسبت خویشاوندی، به صورت حبس طولانی مدت یا اعدام است که به سیستم عدالت کیفری و حقوق بشر احترام می گذارد (وانگ، ۲۰۱۷؛ تاکاهاشی، ۲۰۱۹)

در این کشورها نیز تبعیض جنسیتی یا خانوادگی در اعمال عدالت پذیرفته نیست و تمام افراد برابر در برابر قانون شناخته می شوند..

۵،۴. جمع بندی تطبیقی

مطالعه تطبیقی نشان می دهد که در فقه جعفری ایران، تبعیضی آشکار در قصاص والدین وجود دارد که به نفع پدر و به زیان مادر است. در مقابل، اکثر مذاهب اهل سنت قصاص والدین را ممنوع کرده و به جای آن مجازات تعزیری را جایگزین کرده اند. کشورهای اسلامی معاصر نیز رویکردی نوین تر و مبتنی بر تعهدات حقوق بشری اتخاذ کرده اند که در آن قصاص والدین در قتل فرزند وجود ندارد

از سوی دیگر، نظام های حقوقی غیراسلامی به طور کامل بر اصل برابری و عدالت کیفری تأکید دارند و قصاص را به عنوان مجازات حذف کرده اند و مجازات های انسانی و عادلانه را جایگزین نموده اند

این تطبیق ها می تواند مبنای قوی برای بازنگری و اصلاح ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی



ایران باشد تا همسو با اصول عدالت کیفری مدرن و حقوق بشر، تضادها و تبعیض‌ها رفع گردد.

۵. پیشنهادات اصلاحی و راهکارهای حقوقی و فقهی برای بازنگری ماده ۳۰۱ قانون مجازات

اسلامی

۱،۵. مقدمه و ضرورت بازنگری

ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، با بهره‌گیری از مبانی فقهی امامیه، مقرر می‌دارد که «پدر یا جد پدری در صورت قتل فرزند خود به قصاص محکوم نمی‌شود.» این ماده، گرچه مبتنی بر برخی آرای فقهی متقدم است، اما از حیث انطباق با اصول عدالت کیفری، برابری حقوقی، منع تبعیض، حقوق کودک و حتی مصالح خانوادگی، مورد نقدهای گسترده حقوقی و فقهی قرار گرفته است.

از آن‌جا که یکی از اهداف نظام عدالت کیفری، تأمین عدالت برای همه آحاد جامعه بدون تبعیض است، وجود تبعیض صریح جنسیتی در این ماده که پدر را از قصاص معاف می‌سازد اما چنین استثنایی برای مادر قائل نیست، به چالشی جدی برای مشروعیت، کارآمدی و پذیرش اجتماعی این حکم تبدیل شده است (رهنما، ۱۴۰۰: ۱۲۸؛ بیات، ۱۳۹۹: ۹۲).

این امر نه تنها با اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در تضاد است، بلکه با تعهدات بین‌المللی کشور در زمینه حقوق بشر نیز ناسازگار است.

۲،۵. پیشنهادهای اصلاحی در حوزه حقوق کیفری

۱،۲،۵. بازنگری در مبانی تقنینی ماده ۳۰۱

قانون‌گذار می‌تواند با استفاده از ظرفیت اصل ۱۶۷ قانون اساسی و اجتهاد پویا، به بازنگری در این ماده اقدام کرده و در پرتو تحولات فکری فقه معاصر، به حذف یا تعدیل حکم معافیت پدر از قصاص بپردازد.



۲،۲،۵. اعمال اصل برابری در مجازات والدین

پیشنهاد می‌شود در اصلاح ماده ۳۰۱، اصل برابری در مجازات برای هر یک از والدین لحاظ شود؛ بدین معنا که اگر قتل فرزند توسط پدر یا مادر صورت گیرد، هر دو مشمول حکم قصاص باشند، مگر در صورت وجود جهاتی از قبیل اضطرار، دفاع مشروع یا اختلالات روانی که قاضی با استفاده از اصول تخفیف‌دهنده در مجازات، اقدام به تقلیل مجازات نماید (صادقی، ۱۳۹۸: ۱۷۵)

۳،۲،۵. پیش‌بینی مجازات تعزیری جایگزین در موارد خاص

در صورتی که مقنن همچنان بر حفظ قاعده معافیت پدر تأکید داشته باشد، پیشنهاد می‌شود با الهام از حقوق تطبیقی، مجازات‌های تعزیری مشخص و بازدارنده‌ای نظیر حبس‌های طولی‌المدت، ممنوعیت از حقوق اجتماعی و الزام به پرداخت دیه کامل، جایگزین گردد تا اصل پاسخگویی کیفری رعایت شود (ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی)

۴،۲،۵. اعمال نظارت قضایی ویژه

ایجاد سازوکار نظارت قضایی خاص برای بررسی قتل‌های خانوادگی، به ویژه قتل فرزندان توسط والدین، می‌تواند مانع سوءاستفاده از مصونیت کیفری و توجیه‌گری حقوقی در اعمال خشونت علیه فرزندان گردد.

۳،۵. پیشنهادهای اصلاحی در حوزه فقهی

۵،۳،۱. **ضرورت بازخوانی فقه سنتی در پرتو عدالت**؛ بسیاری از فقه‌های متأخر مانند آیت‌الله صانعی، آیت‌الله منتظری و آیت‌الله موسوی بجنوردی بر این باورند که قاعده عدم قصاص پدر در قتل فرزند، یک حکم امضایی و مبتنی بر ملاحظات تاریخی، اجتماعی و حقوقی دوران جاهلیت است و نه یک حکم تأسیسی اسلامی؛ بنابراین قابلیت بازنگری و اجتهاد مجدد دارد (صانعی، ۱۳۸۶: ۸۲؛ منتظری، ۱۳۷۶: ۲۴۵)

۳،۲،۵. **استفاده از قواعد فقهی عدالت‌محور**؛ استفاده از قواعدی نظیر «لاضرر»،



«لا حرج»، «نفی ظلم»، «قاعده عدالت» و «قاعده تفاوت موضوع با حکم» می‌تواند زمینه‌ساز اجتهاد نوین در فقه و اصلاح این حکم شود (شهید ثانی، مسالک الافهام، ج ۲؛ امام خمینی، تحریرالوسیله، ج ۲)

۵،۳،۳. **توجه به تغییر موضوع:** یکی از اصول بنیادین در فقه امامیه، تغییر حکم با تغییر موضوع است. در روزگار معاصر، رابطه پدر و فرزند دیگر همان رابطه زمان گذشته نیست. امروز پدر می‌تواند در قالب خشونت خانگی، کودک‌آزاری یا قتل ناموسی به فرزند آسیب بزند. بنابراین، موضوع عرفی و اجتماعی تغییر کرده و در نتیجه، حکم فقهی نیز قابلیت تغییر دارد (هاشمی شاهرودی، فقه الحکومه، ج ۱)

۴،۵. راهکارهای اجرایی و سیاست‌گذاری

۵،۴،۱ اصلاح ماده ۳۰۱ از طریق مجلس شورای اسلامی؛ پیشنهاد می‌شود کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس با همکاری مرکز پژوهش‌های مجلس و قوه قضائیه، به بازنگری در ماده ۳۰۱ پرداخته و با بهره‌گیری از نظرات فقها و متخصصان حقوق کیفری، طرح اصلاحی جامعی ارائه دهد

۵،۴،۲ **تدوین آیین‌نامه ویژه برای قتل‌های خانوادگی؛** تدوین آیین‌نامه خاصی توسط قوه قضاییه برای رسیدگی به قتل‌های خانوادگی با نگاه تخصصی، می‌تواند مانع از سوءاستفاده از خلاهای قانونی و فقهی شود.

۵،۴،۳ **ایجاد فضای گفت‌وگوی علمی بین فقیهان و حقوقدانان؛** تشکیل کمیته‌های مشترک بین حوزه و دانشگاه، برای هم‌فکری در زمینه اصلاحات فقهی و قانونی در مسائل کیفری خانواده، گامی موثر در جهت رفع چالش‌های فعلی و آینده‌نگری در حوزه قانون‌گذاری است.

۵،۴،۴ **تقویت آگاهی عمومی و حمایت از حقوق کودک؛** افزایش سطح آگاهی عمومی، آموزش حقوق والدین و فرزندان، و تقویت نهادهای مدنی در زمینه حمایت از حقوق کودک، از جمله بسترهای مهم فرهنگی و اجتماعی برای مقابله با خشونت‌های خانوادگی و ترویج عدالت



جنسیتی و کیفری است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری نهایی

ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی جمهوری اسلامی ایران یکی از پرچالش‌ترین و مناقشه‌برانگیزترین احکام کیفری معاصر است که طبق آن، «پدر یا جد پدری در صورت قتل فرزند خود قصاص نمی‌شود».

این ماده با تکیه بر برخی مستندات فقهی متقدم، جایگاه ویژه‌ای برای پدر در نظام خانواده قائل شده و عملاً نوعی مصونیت کیفری نسبی برای وی ایجاد کرده است. با این حال، با توجه به تحولات گسترده در عرصه‌های فقهی، حقوقی، اجتماعی و حتی بین‌المللی، به‌ویژه در حوزه‌های مرتبط با حقوق زنان و کودکان، تداوم اجرای این ماده در قالب فعلی با اشکالات بنیادین روبه‌روست. در این راستا، یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از نکات و الزامات مهمی است:

۱) ناسازگاری با اصول عدالت و کرامت انسانی

اسلام، اساس نظام کیفری اش را بر پایه عدالت، منع ظلم و حفظ کرامت انسانی بنا نهاده است. معافیت پدر از قصاص در حالی که مادر در شرایط مشابه مشمول قصاص می‌شود، با اصل برابری در مجازات، قاعده نفی عسر و حرج، و «العدل أساس الملك» ناسازگار است و ظلمی مضاعف به قربانی (فرزند مقتول) و مادر او وارد می‌سازد (ر.ک: شهید ثانی، الروضة البهیة؛ علامه حلی، تذکره الفقهاء).

۲) تعارض با موازین حقوق کودک

این ماده در تضاد جدی با تعهدات بین‌المللی ایران در حوزه حقوق کودک است، از جمله کنوانسیون حقوق کودک که ایران در سال ۱۳۷۲ به آن پیوسته است. اصل حمایت ویژه از کودکان ایجاب می‌کند که هیچ‌گونه تخفیف یا تبعیضی در قبال قتل کودک، صرف‌نظر از نسبت خانوادگی مرتکب، اعمال نشود.

۳) تضعیف اعتماد عمومی به نظام قضایی و تعمیق شکاف جنسیتی

در شرایطی که خشونت خانگی، قتل‌های فجیع خانوادگی و کودک‌آزاری در برخی موارد رو به افزایش است، استمرار ماده ۳۰۱ می‌تواند به نوعی پیام ضمنی برای معافیت پدران از مجازات تلقی شود و احساس بی‌عدالتی را در جامعه، به‌ویژه در میان زنان، کودکان و کنشگران حوزه حقوق بشر تقویت نماید

پیشنهادهای اصلاحی

بر مبنای تحلیل‌های فقهی، حقوقی و اجتماعی این پژوهش، اصلاح ماده ۳۰۱ ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. در این راستا، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

۱) **تعدیل حکم ماده ۳۰۱ با تفسیر موسع از قاعده عدالت**؛ با استفاده از ظرفیت‌های فقه اجتهادی و قواعدی چون نفی حرج، قاعده عدالت، لزوم حفظ نظام، و همچنین با تکیه بر اصول عقلانی و اخلاقی، می‌توان حکم معافیت پدر از قصاص را در قتل فرزند، مشمول شرایط خاص و محدود کرد و از اطلاق آن در تمام موارد پرهیز نمود.

۲) **بازنویسی ماده ۳۰۱ با تفکیک میان قتل عمد با انگیزه شخصی و قتل در شرایط خاص**؛ ماده جدید می‌تواند مواردی مانند قتل فرزند در حال دفاع مشروع یا با انگیزه جنون یا در شرایط خاص روانی-عاطفی را مشمول تخفیف مجازات قرار دهد، اما در حالت عادی، اصل را بر امکان اجرای قصاص برای پدر نیز بنا نهد، همان‌گونه که در بسیاری از کشورها چنین است

۳) **پیش‌بینی نهاد داوری فقهی-قضایی برای تشخیص موارد استثنایی**؛ ایجاد یک هیئت مستقل از فقها و حقوقدانان برای ارزیابی مواردی که در آن ممکن است اعمال قصاص در حق پدر، با مصالح شرعی یا اجتماعی در تعارض باشد، می‌تواند راه‌حلی بینابینی و منطقی برای اجرای عدالت در چارچوب فقهی باشد.

۴) **افزایش مجازات‌های تعزیری برای پدران قاتل در صورت عدم قصاص**؛ در صورت ابقای عدم امکان قصاص برای پدر، باید برای او اشد مجازات‌های تعزیری (از جمله حبس ابد بدون امکان عفو) در نظر گرفته شود تا آثار بازدارنده حکم حفظ شود و پیام روشنی به جامعه در



حمایت از کودک مخابره گردد.

۵) برگزاری نشست‌های فقهی-حقوقی برای اجماع نخبگانی در مسیر اصلاح: پیشنهاد می‌شود مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای نگهبان، مرکز فقهی ائمه اطهار، قوه قضائیه و مرکز پژوهش‌های مجلس، با برگزاری نشست‌های علمی-فقهی به بررسی ابعاد و راه‌حل‌های این مسئله پرداخته و بستری برای اصلاح حقوقی فراهم سازند

در مجموع، باید تاکید نمود اصلاح ماده ۳۰۱ ق.م.ا. نه تنها خواسته‌ای فمینیستی یا صرفاً حقوق بشری نیست، بلکه ضرورتی اسلامی، فقهی، انسانی و اخلاقی است. بقای این ماده به شکل کنونی، چالشی جدی برای مشروعیت و عدالت نظام حقوقی کشور است و بازنگری آن، گامی بلند در مسیر تحقق عدالت اسلامی و ارتقاء حقوق بشر اسلامی و بازگشت اعتماد زنان ایران اسلامی بر عدالت محوری قوای حاکمه و قضاییه کشور خواهد بود.



منابع

منابع فقهی: (کتب معتبر فقه امامیه)

۱. علامه حلی، حسن بن یوسف. تذکره الفقهاء. قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۱۴ق
۲. محقق حلی، نجم الدین جعفر. شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام. قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۰ق
۳. شهید اول، محمد بن مکی. اللمعة الدمشقية. به همراه شرح شهید ثانی (الروضة البهیة). قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۲۳ق
۴. امام خمینی (سید روح الله). تحریر الوسیله. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۵ش
۵. آیت الله خویی، ابوالقاسم. مبانی تکملة المنهاج. قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی، ۱۴۲۵ق
۶. موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم. حدود و قصاص در فقه اسلامی. تهران: دانشگاه مفید، ۱۳۸۲ش
۷. مطهری، مرتضی. بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی. تهران: صدرا، چاپ یازدهم، ۱۳۸۴ش
۸. صانعی، یوسف. کتاب القصاص. قم: انتشارات فقه الثقلین، ۱۳۸۶ش
۹. آشتیانی، شیخ جواد. مقاله «قاعده عدالت در فقه امامیه»، فصلنامه فقه اهل بیت (ع)، سال ۹، شماره ۳، ۱۳۸۶.

منابع حقوقی، قانونی و پژوهشی:

الف) قوانین و مقررات

۱. قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲)، به ویژه ماده ۳۰۱
۲. قانون حمایت از کودکان و نوجوانان (مصوب ۱۳۹۹)
۳. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۲۰ و ۲۱ و ۱۵۶.
۴. قانون الحاق دولت ایران به کنوانسیون حقوق کودک (مصوب ۱۳۷۲)



۵. منشور حقوق شهروندی (۱۳۹۵)، ماده ۷ و ۹۰.

ب) منابع حقوقی فارسی

۱. اردبیلی، محمدعلی. حقوق جزای عمومی، جلد دوم. تهران: میزان، ۱۳۹۰.
۲. آشوری، محمد. حقوق کیفری اختصاصی، جلد اول. تهران: سمت، ۱۳۸۸.
۳. عباسی، محمدجواد. «بررسی فقهی و حقوقی ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی»، مجله فقه و حقوق اسلامی، شماره ۱۷، ۱۳۹۵.
۴. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. گزارش کارشناسی درباره‌ی ماده ۳۰۱ ق.م.ا، ۱۳۹۲.
۵. صادقی، حسین. «بررسی تطبیقی مسئولیت کیفری پدر در قتل فرزند در حقوق ایران و کشورهای دیگر»، فصلنامه مطالعات حقوق کیفری، سال ۶، شماره ۲، ۱۳۹۸.
۶. سلیمی، رضا. «چالش‌های اجرای عدالت کیفری در جرایم خانوادگی»، فصلنامه سیاستگذاری اجتماعی، سال ۲، شماره ۳، ۱۴۰۰.
۷. جعفری لنگرودی، محمدجعفر. دایرةالمعارف حقوق. تهران: گنج دانش، ۱۳۸۹.

ج) منابع تطبیقی و بین‌المللی

1. UNICEF. Convention on the Rights of the Child, 1989.
2. CEDAW. Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination Against Women, United Nations, 1979.
3. Zhang, L. "Parental Filicide: A Comparative Legal Analysis." International Journal of Law and Psychiatry, Vol. 34, No. 3, 2011.
4. Jones, A. "Criminal Responsibility of Parents in Child Homicide Cases." Journal of Comparative Law, Vol. 9, Issue 2, 2015.
5. Amnesty International. Iran: The Death Penalty and Juvenile Offenders, 2020 Report.